ای خداوند، مستحقی که جلال و اکرام و قوت را بیابی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.

مکاشفه ۴: ۱۱

خلوتگاه و قدس درونی

هر جنبنده و هر نفْسی متعلق به خداوند است و به خاطر خوشنودی او وجود دارد. خداوند همان است که باید باشد و ما نیز همان هستیم که باید باشیم. تنها رابطه منطقی و قابل تصوری که بین ما و خداوند باید وجود داشته باشد این است که او سَرور و خدای همه چیز باشد و ما نیز در سرسپردگی و تسلیم کامل به او قرار داشته باشیم. ما باید تمام افتخار و احترامی که در توان داریم را به ذات مقدس او روانه کنیم. بزرگ‌ترین غم و اندوهی که برای ابدیت در ما خواهد ماند این است که در این کار قصور کنیم و چیزی کمتر از حداکثر توانمان به او تقدیم کنیم!

پیروی از خداوند و سرسپردگی به او شامل این می‌شود که تمام توانایی خود را به کار گیریم تا تمام شخصیت خود را به شباهت شخصیت کامل و ذات مقدس او درآوریم. این اتفاق نه از نظر قانونی و شرعی بلکه باید به صورت واقعی و قابل رویت به وقوع بپیوندد. من با این صحبت، به عمل عادل شمرده شدن به وسیله ایمان به میسح اشاره نمی‌کنم بلکه درباره اولویت قرار دادن خداوند در همه چیز و قرار دادن او در جایگاه مناسبش صحبت می‌کنم. ما باید خداوند را به صورت داوطلبانه و خودجوش بالاتر و سَرور خودمان قرار دهیم و کاملاً خودخواسته و درونی، خودمان و همه چیزمان را تسلیم او کنیم و با سرسپردگی او را پرستش کنیم. این رابطه‌ای است که باید میان خالق و مخلوق در جریان باشد.

با توجه به اینکه ما به شباهت خداوند آفریده شده‌ایم، به ندرت پیش می‌آید که قرار دادن مجدد او به عنوان همه‌چیز برایمان عجیب و دشوار باشد. خداوند زیستگاه اصلی ما بوده است و زمانی که دوباره به خانه کهن و غیرقابل وصفمان وارد شویم، قلبمان این را حس خواهد کرد!

## ای پدر آسمانی، من مخلوق تو هستم و تمام احترام و عزت را به تو تقدیم می‌کنم و در سرسپردگی کامل به خداوندی تو، در مقابلت زانو می‌زنم و تسلیم تو هستم.

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*